

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.329150.3096>

**Study and analysis of the functioning of the organization and social work of the Women's
Organization in Iran (2)**

Abstract

The Iranian Women's Organization was established in ۱۹۶۶. The news item indicates the establishment of a women's organization in the second Pahlavi period, whose ultimate goal and mission was to increase the cultural, social and economic awareness of Iranian women. The organization had about four hundred branches throughout Iran and pursued its goals by establishing nine separate committees. The emphasis of the Women's Organization was on increasing the education of women and girls and providing facilities for them to enter the labor market. To this end, the Family Health and Welfare Committee had the most important task in the Fifth Development Plan with a specific budget.

The purpose of the present study is to review and explain the process of establishment and operation of the Family Health and Welfare Committee of the Women's Organization. The research question is what services this committee has provided according to the definitions of assistance and what have been its weaknesses. This research has been done by content analysis method and relying on main sources, archival documents.

Findings show that the Committee on Family Health and Welfare in the field of health, assistance to homeless families, vocational training and family and legal advice, to increase awareness and expand employment and promote the role and position of women in various social and cultural affairs, a suitable platform provided and paved the way for coherent aid actions.

Keywords: Family Welfare and Health Committee, Women's Organization, Assistance, Women, Pahlavi

بررسی و تجزیه و تحلیل کارکرد تشکیلات و مددکاری اجتماعی سازمان زنان در ایران (۲)

زیبا قهرمانی^۱

علی اکبر خدروی زاده^۲

مهدی گلجان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷

چکیده

سازمان زنان ایران در سال ۱۳۴۵ش/۱۹۶۶م تشکیل شد. جمله خبری بیان شده نشان از تاسیس سازمانی زنانه در دوره پهلوی دوم دارد که هدف نهایی و رسالتش افزایش دادن آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی زنان ایران بود. این سازمان حدود چهارصد شعبه در سراسر ایران داشت و با ایجاد نه کمیته جداگانه اهداف خود را پیگیری می‌کرد. بیشترین تأکید سازمان زنان بر افزایش آموزش و تحصیلات زنان و دختران و فراهم کردن تسهیلاتی برای ورود آنها به بازار کار بود. بدین منظور کمیته بهداشت و رفاه خانواده با بودجه مشخص در برنامه پنجم عمرانی مهم‌ترین وظیفه را داشت. مسئله پژوهش حاضر بررسی و تبیین روند تأسیس و عملکرد کمیته بهداشت و رفاه خانواده سازمان زنان است. پرسش پژوهش آن است که این کمیته با توجه به تعاریف مددکاری چه خدماتی ارائه کرده است و عوامل ضعف آن چه بوده است. این پژوهش به روش تحلیل محتوا و با تکیه بر منابع اصلی، اسناد آرشیوی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کمیته بهداشت و رفاه خانواده حوزه بهداشت و درمان، کمک به خانواده‌های بی‌سرپرست، آموزش‌های حرفه‌ای و نیز ارائه مشاوره‌های خانوادگی و حقوقی، برای رشد آگاهی و گسترش اشتغال و ارتقای نقش و جایگاه زنان در امور مختلف اجتماعی و فرهنگی، بستر مناسبی فراهم آورد و راه را برای اقدامات منسجم مددکارانه باز نمود.

کلمات کلیدی: کمیته رفاه و بهداشت خانواده، سازمان زنان، مددکاری، زنان، پهلوی

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ (ایران دوره اسلامی)، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. «نویسنده مسئول»

khedrizedeh@yahoo.com

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

m.golian12@gmail.com

کیفیت و کمیت مشارکت زنان در مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هیچگاه یکسان نبوده است و بنا بر شرایط و موقعیت اجتماعی- فرهنگی جامعه اشکال گوناگونی به خود گرفته است. توجه به مسائل زنان و دختران و تلاش برای به صحنه کشاندن آنها و جذب بخشی از زنان تحصیل کرده و کارگر در اداره‌های دولتی و بازار کار ایران، پس از انقلاب سفید از برنامه‌های دولت پهلوی بود. حامیان حکومت این اقدام را در راستای مدرن کردن ایران دانستند. اقدامی که از نظر مخالفان مذهبی شاه، ترویج غرب‌زدگی و مخالفت با قوانین شرع مقدس اسلام تلقی شد. سازمان زنان ایران یکی از نهادهای مهم حکومتی زنان در دوره محمدرضاشاه بود که در ابعاد گسترده و زمینه‌های مختلف، اقدامات درخور توجهی انجام داد. این سازمان علاوه بر تهران، در شهرها و حتی روستاهای ایران نیز فعالیت می‌کرد. براساس آماری رسمی و دولتی، سازمان زنان ایران تا سال ۱۳۵۶ش/۱۹۷۷م حدود چهارصد شعبه در سراسر ایران تأسیس کرد. در راستای اهداف سازمان زنان کمیته‌های گوناگونی تشکیل شد که کمیته بهداشت و رفاه خانواده بخش مددکاری آن را بر عهده گرفت. درباره مراکز رفاه خانواده و بررسی عملکرد و اقدامات آن، مطالعه‌های علمی با رویکرد تاریخی وجود ندارد؛ بنابراین این پژوهش در پی توجه به این موضوع و نگارش آن با تکیه بر منابع اصلی و اسناد آرشیوی است.

از لحاظ پیشینه پژوهش، گفتنی است درباره این موضوع تاکنون پژوهش مستقل تاریخی صورت نگرفته است؛ اما درباره تشکیل سازمان زنان و فعالیت‌های آن، به طور کلی در ایران مطالب مفیدی به چاپ رسیده که در این پژوهش، از برخی از آنها نیز استفاده شده است؛ از جمله گزارش‌های سالانه سازمان زنان و همچنین گزارش‌های بولتن‌های خبری این سازمان که انتشارات خود سازمان زنان آنها را چاپ کرده است.

در سال‌های پس از انقلاب، کتاب سازمان زنان ایران نوشته حمیرا رنجبر عمرانی که مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در سال ۱۳۸۵ش چاپ کرد، تنها اثری است که در زمینه فعالیت‌ها و تشکیلات این سازمان نوشته شده است. در خارج از ایران نیز مهناز افخمی، دبیر کل سازمان زنان ایران، در دو اثر خود چگونگی تشکیل و فعالیت‌های گوناگون و تشکیلات سازمان زنان ایران را بررسی کرده است.

مقاله «انقلاب مسالمت‌آمیز: مروری بر فعالیت‌ها و دستاوردهای سازمان زنان ایران (۱۳۴۳ - ۱۳۵۷)» که تابستان ۱۳۷۶ش در شماره ۵۹ مجله ایران‌نامه به چاپ رسید، یکی دیگر از آثاری است که در این باره منتشر شده است. کتاب جامعه، دولت و جنبش زنان ایران اثر مهناز افخمی، درباره سازمان زنان ایران جزئیات بیشتری دارد. در قسمتی از مقاله «سازمان‌های زنان در ایران عصر پهلوی» که محمدحسین حافظیان در زمستان ۱۳۸۷ش در فصلنامه مطالعات سیاسی چاپ کرد نیز معرفی کلی از سازمان زنان، تشکیلات، اقدامات و نارسایی‌های این سازمان ارائه شده است. بدین روی تلاش گردیده از تکرار مکررات اجتناب گردد و از ابتدای پژوهش به عوامل اجتماعی و سیاسی پرداخته شود.

مسئله پژوهش حاضر بررسی و تبیین چگونگی تشکیل و عملکرد کمیته رفاه و بهداشت خانواده سازمان زنان است. پرسش پژوهش این است که عملکرد این کمیته چه بوده است. این پژوهش بر این فرض مبتنی است که کمیته رفاه و بهداشت خانواده با وجود ضعف در بخشی از عملکرد خود، نقش و جایگاه زنان در عرصه‌های مختلف آموزشی و بهداشتی و فرهنگی و حقوقی ارتقا بخشید.

چارچوب نظری بر مبنای تعریف مددکاری اجتماعی

برنامه‌های مربوط به رفاه اجتماعی که توسط دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و ... تنظیم می‌شود در قالب مصوبه، آیین‌نامه قانون از طریق سازمان‌های خدمات اجتماعی توسط کارشناسان و متخصصین مختلف حرفه‌ای از جمله مددکاران اجتماعی به گروه‌های هدف ارائه می‌شود و یا به بیان روشن‌تر، مددکاران از طریق سازمان‌ها و نهادهای زیربند به ارائه خدمات اجتماعی می‌پردازند. که حاصل و نتیجه آن تحقق ابعادی از زمینه‌های رفاه اجتماعی است. (زاهدی اصل، ۱۳۸۸: ۴۴) از این رو مددکاری اجتماعی در رابطه‌ای تنگاتنگ با رفاه اجتماعی قرار دارد و سعی می‌کند از طریق برنامه‌های رفاه اجتماعی به اهداف خود که همانا بهزیستی انسانهاست دست یابد.

از مددکاری اجتماعی تعاریف گوناگونی صورت گرفته است، اما اگر از این میان بخواهیم تعریفی از ماموریت مددکاری اجتماعی ارائه دهیم می‌توان گفت: « ماموریت اولیه حرفه مددکاری، بهبود و ارتقای بهزیستی و رفاه انسانهاست و مشخصه متمایز کننده این حرفه، توجه به رفاه فردی ساختار و بستر محیط اجتماعی وی می‌باشد. هدف اصلی حرفه مددکاری کمک به تحقق عدالت اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی و ارتقای ظرفیت هر یک از افراد جامعه و خانواده‌ها در حل مشکلات گوناگون است.» (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۱: ۲) «از عمده‌ترین اهداف مددکاری اجتماعی تامین زمینه‌های خود اتکایی مددجو است.» (زاهدی، ۱۳۸۵: ۵۵) مددجو در مفهوم عام آن یعنی هر فرد، گروه یا جامعه‌ای که به تنهایی قادر به حل مشکلاتش نباشد. مددکاری اجتماعی به دنبال حل مشکلات در روابط انسانی و اقتدار و توانمندسازی افراد به منظور بهبود بخشیدن به زندگی آنها یعنی بهزیستی و آسایش ایشان است. حرفه مددکاری اجتماعی از طریق ایجاد تغییرات اجتماعی سعی در حل مشکلات روابط انسانی و توانمندی افراد و در نتیجه بهزیستی آنها دارد.

براساس تعریفی از مددکاری اجتماعی توسط انجمن بین‌المللی مددکاران اجتماعی و انجمن بین‌المللی موسسات آموزشی مددکاری اجتماعی در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱ در کپنهاک بر سر آن به توافق رسیدند می‌توان وظایف و کارکردهای مددکاری را چنین عنوان کرد: «مددکاری اجتماعی در شکل‌های گوناگون خود، روابط چندگانه و پیچیده بین افراد و محیط شان را مطرح می‌کند. ماموریت این حرفه توانمند ساختن همه افراد است تا ظرفیت کامل خود را پرورش دهند، زندگی خود را غنی سازند و از ناکارکردها پیشگیری کنند. بر این اساس مددکاران اجتماعی کارگزاران تغییر در جامعه و نیز زندگی افراد، خانواده‌ها و اجتماعاتی هستند که مسئولیت خدمت به آنها را پذیرفته‌اند.» (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۱: ۳)

یکی دیگر از وظایف مددکاری اجتماعی پیشگیری از مشکلات اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی است. مددکاری اجتماعی بر این باور است که چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ انسانی هزینه پیشگیری به مراتب کمتر از درمان است و چه بسا آسیبی که پیش از آنکه درمان شود قربانیان خودش را بگیرد. مددکاران اجتماعی کارگزاران تغییر در جامعه و نیز زندگی افراد، خانواده‌ها و اجتماعات هستند، از عمده‌ترین شاخص‌های مرتبط با رفاه اجتماعی و در نتیجه مرتبط با مددکاری اجتماعی عبارتند از تامین اجتماعی، مراقبت بهداشتی، مراقبت اجتماعی، مسکن و آموزش.» (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸: ۸) که از این میان برخی برای مددکاران اجتماعی ابزاری‌تر است. البته شاخص‌های مختلف و البته گاه همانندی برای رفاه در نظر گرفته می‌شود. در این مقاله با توجه به موضوع و اسنادی که مورد توجه بوده‌اند از روش تطبیقی و تکنیک تحلیل

محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا از نوع مضمونی است و واحد تحلیل، مضامین موجود در متن است و معرف‌های مورد نظر در قالب این مضامین جستجو شده است.

نقش اجتماع و سیاست در تشکیل سازمان زنان ایران

از سال ۱۳۳۵ کشور ایران تحت لوای محمدرضا شاه حرکت رو به جلوی شتابزده‌ای را در پیش گرفت. در راستای اهداف محمدرضاشاه، انقلاب سفید ایران در دهه ۱۳۴۰ با یاری نخست‌وزیران وقت علی امینی، اسدالله علم، حسنعلی منصور و امیرعباس هویدا به تحقق پیوست. این اصلاحات با عناوینی همچون اصلاحات ارضی، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، و اوج آن به‌عنوان انقلاب سفید یا انقلاب شاه و ملت شناخته می‌شود. در آغاز کار این اصلاحات شامل شش اصل بود. به‌مرور به اقتضای تحول جامعه و پیدایش نیازها و مقتضیات جدید ۱۳ اصل دیگر به آن اضافه گردید. این انقلاب با علل، فرایندها و نتایجش بحث‌های فزاینده‌ای را ایجاد کرده است. این اصلاحات حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران را تحت تاثیر قرار داد. (یاراحمدی، ۱۳۹۹: ۳) انقلاب سفید دارای نوزده اصل بود که در جهت اصلاحات و آبادانی طرح‌ریزی شده بود و در این میان چندین اصل آن ارتباط مستقیم با زنان داشت. این اصول عبارتند از: اصلاح قانون انتخابات ایران به منظور دادن حق رای به زنان و حقوق برابر سیاسی به مردان، ایجاد سپاه دانش، ایجاد سپاه بهداشت، انقلاب اداری و انقلاب آموزشی، تحصیلات رایگان و اجباری، تغذیه رایگان برای کودکان خردسال در مدرسه‌ها و تغذیه رایگان شیرخوارگان تا دو سالگی با مادران، پوشش بیمه‌های اجتماعی برای همه ایرانیان

بدین روی در راستای اجرای اهداف انقلاب سفید از اواخر سال ۱۳۴۴ زمزمه‌های مخالفت با ارکان شورای عالی زنان از درون کادر اداری شورای عالی برخاست تا جایی که رای همگانی بر عدم کارآرایی شورا قرار گرفت و پس از مدتی، سازمان زنان جایگزین آن شد. (رنجبرعمرانی، ۱۳۸۵: ۹۶) این دومین سازمان زنانی بود از دوره مشروطیت که رهبری آن در دست مردان بود. کانون بانوان ایران که توسط رضاشاه تاسیس شد و سازمان‌های زنان ایران، هر دو دارای یک ویژگی بارز بودند زنان، بدنه و سطح پایینی آن را تشکیل می‌دادند و مردان در موضع تصمیم‌گیری قرار داشتند. (پایدار، بی‌تا: ۴) به‌طور کلی در مقایسه این دو نهاد آنچه باید در نظر گرفته شود تفاوت مقطع زمانی و نوع عملکرد آنها است. شورای عالی زنان در سال ۱۳۳۸ به‌عنوان نیروی حمایت‌کننده در پیشبرد طرح‌های حکومت بود اما پس از طی این مرحله یعنی سال ۱۳۴۵ حکومت، هماهنگی حرکت زنان با سیاست‌های خود را می‌طلبید. (رنجبرعمرانی، ۱۳۸۵: ۹۶)

ساختار سازمان زنان ایران

بر طبق سالنامه زنان ایران این سازمان از سه گونه عضو برخوردار بود که عبارتند از:

الف) اعضای عادی انفرادی: زنانی بودند که با داشتن ۱۸ سال سن و تابعیت ایران و حسن شهرت به دور از وابستگی به جمعیت یا گروه خاصی به عضویت سازمان در می‌آمدند. اعضا می‌بایست به هیچ جرمی که موجب محرومیت اجتماعی می‌شود، محکوم نباشند.

ب) اعضای افتخاری: اعضای بودند که خدمات برجسته‌ای نسبت به نهضت زنان یا سازمان زنان ایران انجام داده بودند. این افراد به پیشنهاد دبیر کل و تایید شورای مرکزی از طرف ریاست عالی برگزیده می‌شدند.

ج) جمعیت‌ها: جمعیت‌های عضو، جمعیت‌هایی بودند که واجد شرایط عضویت و سرگرم فعالیت در جهت اهداف سازمان زنان ایران بودند. عضویت این جمعیت‌ها در سازمان زنان به پیشنهاد دبیر کل و تصویب شورا انجام می‌گرفت.

براساس سند (آیین نامه حق عضویت سازمان زنان ایران)، حق عضویت باید توسط اعضا پرداخت شود و تاکید شده است کلیه وجوه دریافتی باید به حساب سازمان زنان زن شعب و یا روستا واریز گردد. آیین نامه شعب سازمان زنان ایران، در چهار فصل ارائه شده است. در فصل اول به کیفیت تشکیل شعبه های سازمان و مقررات آن در تهران و سایر شهرها پرداخته و در فصل دوم به شرایط عضویت در سازمان را این گونه آورده است:

زنان عضو رسمی سازمان زنان باید واجد شرایط زیر باشند:

ایرانی باشند؛ حداقل ۱۸ سال تمام داشته باشند؛ دارای حسن شهرت باشند؛ به مجازاتی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی گردد، محکوم نشده باشند؛ حق عضویت را طبق آیین نامه مربوطه پرداخت کرده باشند. (اسناد پرونده ۲۷۵۰۰۲۲۰۴؛ ۰۰۰۵، ۰۰۰۶، ۰۰۰۷، ۰۰۰۸، ۰۰۰۹)

به منظور اداره سازمان زنان ایران سه رکن اجرایی در آن پیش‌بینی شده بود:

الف) مجمع عمومی: بخش اصلی مدیریت و برنامه ریزی سازمان بود. در فصل چهارم آیین نامه، به مجمع عمومی و وظایف مجمع عمومی پرداخته شده است.

بخش اصلی مدیریت و برنامه ریزی سازمان، مجمع بود و وظیفه تصمیم‌گیری درباره موضوعات مربوط به وظایف سازمان را بر عهده داشت. اعضای این مجمع به پیشنهاد دبیرکل و تصویب شورای مرکزی انتخاب می‌شدند. وظایف مجمع عمومی، بر مبنای اساس نامه به قرار زیر بود:

گزارش سالیانه دبیرکل را که شامل گزارش فعالیت‌های سال قبل و طرح برنامه سال آینده بود، مورد مطالعه قرار داده و تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کرد.

پنج نفر عضو انتخابی شورای مرکزی را از میان اعضای سازمان زنان ایران به مدت دو سال برمی‌گزید. انتخاب مجدد اعضای شورا تا سه دوره، بلامانع بود.

هر گونه تغییر در مواد اساسنامه از وظایف مجمع عمومی فوق العاده سازمان زنان ایران بود. بر طبق ماده ۹ اساسنامه سازمان زنان ایران، مجمع عمومی در اولین روز اجلاس هیأت رئیسه خود را مرکب از یک رئیس و دو نایب رئیس و دو منشی انتخاب می‌کرد. در هر اجلاس مجمع عمومی، ریاست موقت اولین جلسه از طریق اولویت سنی و سپس ریاست دائمی جلسه از طریق انتخابات، برگزیده می‌شد. بر طبق ماده ۱۰ اساسنامه، اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی عادی و یا فوق العاده با اکثریت نصف به اضافه یک اعضای حاضر و رأی دهنده، امکان پذیر بود. حد نصاب لازم برای تشکیل مجمع عمومی عادی و فوق العاده، حضور عده کل نمایندگان شعب و جمعیت‌های عضو قرار داده شده بود. جلسات مجمع عمومی به دو صورت مجمع عمومی عادی و فوق العاده برگزار می‌شد. مجمع عمومی فوق العاده، متشکل از نمایندگان مجمع های عمومی سازمان

در تمامی شعب استان و فرمانداری کل بود. اولین جلسه مجمع عمومی سازمان زنان ایران در ۲۸ آبان ۱۳۴۵ ه.ش به مدت سه روز تشکیل شد. (سالنامه زنان ایران، سال ۱۳۴۵، صص ۹۱-۹۰)

شورای مرکزی:

دومین رکن اجرایی سازمان زنان ایران مرکب از یازده نفر عضو بود که شش نفر از طرف ریاست عالی و پنج نفر از طرف مجمع عمومی منتصب می شدند. دبیرکل وظیفه داشت که برای تشکیل اولین جلسه شورای مرکزی، از تمامی یازده نفر دعوت کند. در این جلسه، رئیس و نایب رئیس از طریق رأی مخفی انتخاب می شدند. وظایف این شورا به تفصیل در اساسنامه سازمان زنان ایران، مندرج در بخش ضمایم ذکر شده است. (اساسنامه سازمان زنان، ۱۳۵۲: ۱۰)

در ادامه وظایف شورای شعب را تعیین کرده است و قید کرده با توجه به مقتضیات و نیازهای محلی هدفهای سازمان زنان را تهیه و تدوین نمایند و پس از تصویب در شورای مرکزی به اجرا گذارد. در بند های دیگر، آمده است که جلسه های شورا حداقل هفته ای یک بار تشکیل شده و با شرکت چهار نفر رسمیت خواهد یافت و در صورت ضرورت و تشخیص دبیر شعبه، جلسه فوق العاده تشکیل خواهد شد همین طور اعضای شورا، برای مدت ۲ سال انتخاب می شوند و در صورت (فوت یا مسافرت یا استعفا) یکی از اعضای شورا، شورا می تواند نفر بعدی را که در مجمع عمومی اکثریت داشته باشد، جایگزین کند

دبیر خانه مرکزی:

رکن سوم دبیرخانه مرکزی است ماده ۱۹ آیین نامه، وظایف دبیران را مشخص کرده است که عبارتند از:

اداره امور شعب؛ امضاء چک ها و اسناد مالی که به اتفاق یکی از اعضای کمیته مالی معتبر خواهد بود؛ تنظیم بودجه و تراز نامه های مالی شعب؛ تعیین دستور و اداره جلسه های شورا؛ ارائه گزارش های ماهانه درباره فعالیت های امور جاری شعبه به دبیرخانه مرکزی؛ تهیه و تنظیم گزارش های شعبه، به منظور بررسی شورا و استماع مجمع عمومی شعبه (اسناد پرونده ۲۷۵۰۰۲۲۰۴)

به واقع دبیرخانه مرکزی، مهم ترین قسمت در اجرای تصمیمات و اهداف سازمان زنان ایران بود. دبیرخانه مرکزی مرکب از دبیرکل و کارکنانی بود که از طرف دبیرکل، برای اجرای برنامه ها ضروری تشخیص داده می شدند و تمامی آنها از افراد موظف بودند که به تعداد متفاوت و متناسب با وسعت جغرافیایی جمعیت و تعداد مراکز رفاه در هر شعبه از استان، مشغول به کار می شدند. دبیرکل نیز از سوی ریاست عالی از میان اعضای شورا تعیین و برای مدت دو سال منصوب می شد. عمده ترین وظایف دبیرکل، تهیه دستور موقت جلسات مجمع عمومی و شرکت در آن جلسات و نظارت بر امور شعب سازمان و اداره کلیه امور و تشکیلات دبیرخانه و اجرای برنامه های آن بود (زن ایرانی از شالیزار تا وزارت، ۲۴).

هدف های سازمان زنان به شرح زیر است:

ترفیع مقام زن در ایران و ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی زنان و آشنا کردن آنان به حقوق و تکالیف اجتماعی خود.

کمک به زنان ایرانی در اجرای مسئولیت های اجتماعی خود و ایفای نقش مهمی که به عنوان مادر و همسر در خانواده متحول ایران بر عهده دارند.

همانگ کردن فعالیت های دسته جمعی زنان در زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی و مشارکت دادن آن در فعالیت های عمومی در راه ترقی و تعالی اجتماعی ایران به خصوص از طریق تعلیم و تربیت و مبارزه با بی سوادی و فعالیت های فرهنگی دیگر.

ایجاد تفاهم و برقراری مناسبات متقابل بین زنان ایران و زنان سایر کشورها

سازمان متشکل از نه کمیته نیز بود. در این کمیته ها زن و مرد به طور داوطلب و افتخاری شرکت داشتند: «شرکت مردان از این جهت است که در کار برنامه ریزی آنچه مطرح است تجربه و تخصص می باشد نه جنسیت» (میهن ما، بی تا، ۳۶).

«با پیام والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالی سازمان زنان ایران کمیته های نه گانه سازمان های مزبور در هتل هیلتون تهران گشایش یافت. (۲۶ بهمن ماه ۱۳۴۸)» (گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ۳: ۲۲۸۵)

کمیته های مزبور عبارت بودند از: کمیته حقوقی؛ کمیته آموزش؛ کمیته بهداشت و رفاه خانواده؛ کمیته زنان شاغل؛ کمیته فرهنگ و هنر؛ کمیته بین المللی؛ کمیته مطالعات جمعیت شناسی و عضویت؛ کمیته امور دختران دانشجو؛ کمیته روابط عمومی و انتشارات. (رنجبر عمرانی، ۱۳۸۵: ۱۰۸ و ۱۰۷).

به منظور اجرای طرح ها و برنامه های پیشنهادی کمیته های نه گانه، ساختمان هایی مورد نیاز بود تا به تجهیز نیروها و هماهنگی آنها پرداخته شود. به همین دلیل، برنامه ساخت و ساز پنجاه خانه زن در پنجاه شهر ایران در سال ۱۳۴۹ آغاز شد و در سال ۱۳۵۰ به اتمام رسید. خانه های زن با هدف ایجاد هماهنگی در فعالیت های بهداشتی، آموزشی، حقوقی، رفاهی و تبلیغاتی به امکانات مختلف نیز تجهیز شد.

واحد شعبه در شهرستان ها پایگاه دیگر سازمان زنان ایران بود. پشتوانه مالی سازمان زنان ایران را یکی از مؤسسات وابسته به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بر عهده داشت و علاوه بر آن از دیگر خدمات دولتی بهره مند بود. مهناز افخمی که به مدت نه سال، دبیرکل این سازمان بود در این باره می گوید: بودجه سازمان زنان ایران از طریق کمک های خیرخواهانه، جمع آوری اعانه و دریافت پنج ریال بابت هر کتاب دبستانی از مؤسسه چاپ افست (وابسته به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و ناشر کتب درسی برای وزارت آموزش و پرورش) تأمین می شد. به غیر از حدود چهل عضو زن که در دفتر مرکزی سازمان به صورت تمام وقت کار می کردند و حقوق آنها از محل کمک های مؤسسه نشر افست پرداخت می شد، بقیه کادرهای سازمان، داوطلب و غیرموظف بودند. در دوران ریاست نگارنده (۱۳۵۷-۱۳۴۹ ه.ش)، مراکز زنان برای کمک به زنان در راه دستیابی به خودکفایی مالی به تدریج به مرحله تحقق رسید و به صورت بخشی عمده از فعالیت های سازمان تثبیت شد. هزینه بنای بسیاری از ساختمان های این مراکز با کمک های اهدا شده توسط افراد و گروه ها و یا شورای محلی تأمین می شد. شماری از این ساختمان ها، خانه های قدیمی در مناطق محروم بودند. با رشد برنامه های آموزشی، حقوقی، تنظیم خانواده و کاربایی، سازمان به تدریج موفق شد نهادهای دولتی را متقاعد کند که فعالیت ها و برنامه های این مراکز در واقع پاسخی به برخی نیازهای

عمومی است. دولت نیز به تدریج پذیرفت که خدمات سازمان زنان برای توسعه ملی، ضروری است و سازمان‌های دولتی باید به بهترین شکل ممکن آن را یاری دهند. به اعتقاد رهبران سازمان، لازم بود از درآمد نفت و دیگر منابع ملی که در اختیار دولت بود عادلانه برای هزینه برنامه‌های معطوف به وضع زنان در نظر گرفته شود. تا اواخر دهه ۱۳۵۰ش، سازمان زنان ایران، در حدود دو هزار متخصص حقوق بگیر در بخش‌های حقوقی، مهدکودک و تنظیم خانواده و در ۱۲۰ مرکز در سراسر کشور در استخدام خود داشت. جدا از خدمات داوطلبانه و کمک‌های اعضاء، بودجه سازمان در این زمان بیش از ده برابر افزایش یافته بوده (افخمی، منتشر نشده).

تاسیس و فعالیت‌های مراکز رفاه خانواده

طرح مددکاری اجتماعی یکی دیگر از فعالیت‌های رفاهی سازمان زنان ایران به ویژه در میان فرودستان جامعه بود. در حقیقت فعالیت‌های خیریه جمعیت‌های زنان با این عنوان در سازمان شکل گرفته بود. تشکیلات سازمان زنان ایران تا شروع کار مراکز رفاه خانواده در کلیه شعب شهرستان‌ها با همکاری گروه‌های داوطلب اداره می‌شد و تنها اعتبار مالی که در اختیار آنها بود بیست درصد از بهای فروش کتاب‌های درسی ابتدایی به نسبت دانش‌آموزان چهار کلاس اول هر حوزه که از طرف دبیرخانه مرکزی حواله می‌شد. کتاب‌های درسی چهار کلاس اول ابتدایی از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، چاپ می‌شد و به رایگان در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گرفت و فقط مبلغ پنج ریال بابت هر کتاب دریافت می‌شد که تنها بیست درصد این مبلغ به‌عنوان قسمت عمده بودجه سازمان زنان ایران محسوب می‌شد. اما با تصویب طرح مددکاری اجتماعی توسط دولت و فراهم شدن اعتبار آن از سوی سازمان برنامه و بودجه، مبلغ سی میلیون ریال برای اجرا به سازمان زنان ایران واگذار شد. افزون بر این از اعتبارات برنامه پنجم عمرانی نیز بودجه‌ای به این کار اختصاص یافت و قرار شد از سال ۱۳۵۱ش به اجرا درآید. اقدامات مددکاری سازمان زنان براساس وظایفی که بر این گروه محول شد به شرح زیر است:

الف) وظیفه این گروه کمک به بانوان مراجعه‌کننده است و ایجاد تسهیلاتی جهت آنها در مراجع دولتی و اخذ کمک و همکاری از موسسات و افراد در جهت تامین نیازمندی‌ها و حقوق ایشان

ب) کوشش جهت کمک به بیماران بی‌بضاعت جهت بستری شدن آنها گرفتن کمک از درمانگاه‌ها و یا موسسات دارویی و یا افراد خیر جهت درمان آنها

پ) کمک به خانواده‌هایی درمانده‌ای که سرپرست آنها بنا به عللی از کار مانده است

ت) عیادت از بیماران بی‌بضاعت و کمک و مساعدت آنها

ج) دیدار و حمایت از زندانیان بی‌پناه و کمک به ایشان برای نجات از بلا تکلیفی

چ) معاضدت و مساعدت به کلیه بانوان که دچار مشکل و گرفتاری شده‌اند (سند شماره ۲۷۵۰۰۲۲۰۴۰۰۲۱، ۲۷۵۰۰۲۲۰۴۰۰۲۲)

به‌طور کلی فعالیت‌های مددکاری کمیته بهداشت و رفاه خانواده را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

الف) فعالیتهای بهداشتی - درمانی؛ ب) حمایت از دختران دانشجو؛ ج) کمک به خانواده‌های بی‌سرپرست با توجه به اساسنامه و اهداف مراکز رفاه سازمان زنان ایران در ادامه این پژوهش جزئیات هر کدام از این خدمات ارائه می‌گردد.

آموزش‌های حرفه‌ای

سازمان زنان ایران بر اساس گزارش از شهر کرمان و با توجه به اعتباری که به این زمینه اختصاص داده شد طرحی در مورد کمک به خانواده‌های بی‌سرپرست تهیه کرد که هدف آن تامین وسایل و نیازمندی‌های اولیه خانواده‌های بی‌سرپرست از لحاظ مسکن، آموزش، بهداشت، تغذیه و پوشاک بود. به این ترتیب که پس از یک دوره مشخص زمانی، دست کم یکی از افراد خانواده با گذراندن آموزش‌های لازم بتواند بدون دریافت کمک، معیشت دیگر افراد خانواده را تامین کند. در این طرح خانواده بی‌سرپرست اینگونه تعریف شده بود:

خانواده‌هایی که از داشتن سرپرست به معنی نان آور خانواده محروم بودند و از هیچ منبع درآمدی نیز برخوردار نبودند؛ خانواده زندانیان؛ خانواده‌هایی که سرپرست آنها به سبب کهولت یا بیماری غیرقابل علاج، قادر به تامین هزینه زندگی نبودند؛ خانواده‌هایی که از راه‌های غیرقانونی و مغایر با اخلاق و شئون جامعه امرار معاش می‌کردند. (سالنامه زنان ایران، ۲۵۳۶: ۱۱۶-۱۱۱).

برپایی و راه‌اندازی مراکز آموزش حرفه‌ای، موفق‌ترین بخش تلاش‌های سازمان زنان ایران بود. در همین راستا، به علت فراهم کردن امکانات شغلی و کمک به سطح زندگی زنان نیازمند، به آموزش‌های حرفه‌ای خاص مانند خیاطی، بافندگی، ماشین‌نویسی (تایپ) و آرایشگری توجه شد (گزارش فعالیتهای سازمان زنان، ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴: ۷۰). هدف آموزش حرفه‌ای این بود که زنان خدمات خود را در بازار عرضه کنند و بازده مالی و اقتصادی خوبی داشته باشند (افخمی، ۱۳۸۲: ۶۸).

تشکیل مهدکودک

در مراکز رفاه خانواده، واحد مهدکودک وظیفه رسیدگی به کودکان در خانواده‌های کم‌درآمد و پر اولاد را برعهده داشت؛ همچنین باتوجه به وضعیت خاصی که زنان داشتند، ایجاد این واحد فرصت شرکت در کلاس‌های آموزشی مراکز رفاه را فراهم می‌کرد. علاوه بر این، مهدهای کودک در تمام مناطق کارگری سازمان زنان تشکیل شده بود (گزارش فعالیتهای شورای مرکزی کمیته‌های مطالعاتی و تحقیقاتی سازمان زنان ایران، ...، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰/۱۳۷۰ و ۱۹۷۱م: ۴۹)؛ یعنی در مناطقی که زنان کارگر زندگی می‌کردند که به طور معمول در حول و حوش کارخانه‌ها بود. هدف از این کار، آشکارا از ایجاد مهدهای کودک سازمان زنان گسترده‌تر بود؛ همچنین پس از تغییر قانون کار و تهیه تصویب‌نامه از طرف سازمان زنان، تمامی کارخانه‌ها و اداره‌های دولتی موظف شدند برای زنان کارگر و کارمندان دولت، در همان محل کار، مهدکودک تأسیس و دایر کنند (افخمی، ۱۳۸۲: ۸۹). به نظر می‌رسد با هدف ارائه تبلیغات با محور نظام شاهنشاهی، حکومت پهلوی دوم از اقدامات رفاهی و حتی تغذیه کودکان بی‌بضاعت در مهدکودک‌ها و سایر خدمات سازمان زنان، بهره‌برداری تبلیغاتی می‌کرده است.

آموزش بهداشت و تنظیم خانواده

هدف سازمان زنان ایران از ایجاد واحد بهداشت و تنظیم خانواده، افزایش سطح آگاهی زنان درباره بهداشت فردی و بهداشت مادر و کودک و اهمیت تنظیم ابعاد خانواده بود (گزارش فعالیت‌های سازمان زنان، ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴: ۶۸). این واحد با همکاری وزارت بهداشتی اداره می‌شد و مهم‌ترین فعالیت‌های آن عبارت بود از:

۱. معاینه زنان مراجعه‌کننده توسط پزشک برای دریافت قرص و وسایل جلوگیری از حاملگی و همچنین به منظور پیشگیری از بیماری‌های زنان؛

۲. تشکیل پرونده تنظیم خانواده برای مراجعان با هدف شناخت بیشتر وضع جسمانی و تغییراتی که ممکن است بروز دهد؛

۳. اقدام راهنماهای خانواده و مددکارها در راهنمایی و هدایت بیماران به مراکز بهداشتی.

۴. تشکیل جلسه‌های هفتگی یا ماهانه، همراه با نمایش فیلم، درباره تنظیم خانواده به منظور روشن کردن ذهن بانوان در راستای هدف‌های این برنامه (گزارش فعالیت‌های شورای مرکزی کمیته‌های مطالعاتی و تحقیقاتی سازمان زنان ایران...، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰/۱۹۷۰ و ۱۹۷۱م: ۵۳).

در ایران، طرح تنظیم خانواده به توصیه سازمان بهداشت جهانی و دیگر مشاوران بین‌المللی رژیم پهلوی، در راستای ایجاد رشد اقتصادی و کنترل جمعیت و تنظیم خانواده اجرا شد. سازمان زنان ایران و ارکان زیرمجموعه آن از مجریان اصلی طرح تنظیم خانواده بودند. برنامه تنظیم و کنترل خانواده برنامه تاحدودی موفق بود. در این زمینه، مراکز رفاه مراجعه‌کننده بسیاری داشت و کارکنان در سطح امکانات، به مراجعه‌کنندگان جواب می‌دادند (افخمی، ۱۳۸۲: ۶۶).

واحد حقوقی و مشاوره خانواده

واحد حقوقی و مشاوره خانواده یکی از قسمت‌های سازمان زنان در مراکز رفاه خانواده بود. این واحد وظیفه کمک و راهنمایی خانواده‌ها در ازدواج، روابط خانوادگی، تربیت کودکان و رسیدگی به شکایت‌ها در امور حقوقی یا ارائه جلسه‌های آموزشی را برعهده داشت. این واحد با استفاده از امکانات محلی در مناطق مختلف و با همکاری برخی حقوق‌دانان، به مشکلات خانوادگی و حقوقی رسیدگی می‌کرد یا با مراجعه‌های قانونی به دادگاه‌ها، موضوع را پیگیری می‌کرد (گزارش فعالیت‌های شورای مرکزی کمیته‌های مطالعاتی و تحقیقاتی سازمان زنان ایران...، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰/۱۹۷۰ و ۱۹۷۱م: ۳۴).

در واحد حقوقی و مشاور خانواده، تلاش برای تدوین و اجرای قانون حمایت از خانواده، از عمده‌ترین اقدامات سازمان زنان بود که با همکاری انجمن زنان حقوق‌دان انجام می‌شد. قانون حمایت از خانواده و تشکیل دادگاه‌های حمایت خانواده موجب شد زنان از تکالیف و تعهدات و نیز اختیارات خود آگاهی بیشتری پیدا کنند. پیدا کردن شناخت کافی زنان به مسائل حقوقی خانواده به زمان بیشتری نیاز داشت؛ اما همین شناخت نسبی که از پرتو تلاش واحد حقوقی و مشاوره خانواده به دست آوردند، تغییراتی در سبک و نحوه

زندگی و انجام بهتر وظایف در قبال اعضای خانواده و تربیت فرزندان به دنبال داشت. در همین راستا، تهیه جزوه‌هایی برای آموزش حقوق به زنان به زبان ساده و تشکیل جلسه‌های آموزش حقوقی برای زنان طبقه کم‌سواد و کم‌درآمد، یکی از برنامه‌های موفق و جالب سازمان زنان بود. این اقدامات با همکاری گروهی از زنان انجام می‌شد که به مسائل حقوقی شناخت و دانش بیشتری داشتند.

حمایت از دختران دانشجو

بخش مهمی از فعالیت‌های سازمان زنان به تامین رفاه برای دختران دانشجو که برای ادامه تحصیل از شهرستان‌ها به مراکز دانشگاهی می‌رفتند، اختصاص یافته بود. این نوع فعالیت‌ها معمولاً منحصرأ به تهیه مسکن و پانسیون و نظارت بر کار پانسیون‌ها بود.

دلایل ضعف کمیته بهداشت و رفاه خانواده

باتشکیل سازمان زنان هم اهداف و هم فعالیت‌های زنان در معرض اوامر ملوکانه و دستورات از بالا قرار گرفت به‌خصوص از زمانی که به هیچ سازمان مستقل زنان اجازه موجودیت و فعالیت داده نشد. پس از تک حزبی شدن کشور و به وجود آمدن حزب رستاخیز، حزب شاخه‌هایش را در همه نقاط کشور گستراند و از مردم خواست که به‌طور انبوه به عضویت آن درآیند. وجود شایعاتی مبنی بر اینکه ساواک افرادی را که عضو حزب نباشند پیگیری خواهد کرد و همچنین فشارهای رسمی‌ای که بر کارمندان دولت و سازمان‌های خصوصی برای پذیرش عضویت وارد می‌شد، به‌معنای آن بود که حزب به زودی با استقبال زیادی مواجه خواهد شد. تاکید شاه بر نقش ایدئولوژیک حزب رستاخیز، حزب را به چیزی شبیه بخش ایدئولوژیک ساواک تبدیل ساخته بود. حزب رستاخیز به تمامی نهادهای آموزشی، رفاهی و دیگر نهادهای اجتماعی رسوخ و مبارزه ایدئولوژیک را در آنها آغاز کرد. این امر تسلط دولت بر جامعه را تکمیل کرد و جدایی آن از جامعه مدنی را افزایش داد. در یک چنین چارچوبی بود که برنامه‌های دولت درباره زنان مطرح شد. (پایدار، ش ۹۱،)

یکی از قابل توجه‌ترین مسائل پیرامون سازمان زنان ایران سفرهای پرهزینه و تشریفاتی اشرف پهلوی به کشورهای مختلف به عنوان ریاست عالی سازمان زنان ایران بود. این سفرها اغلب از محل بودجه سازمان زنان ایران و با هدف سودجویی بیشتر ترتیب داده می‌شد. حتی اشرف پهلوی طی درخواست مستقیم به بهانه کمبود بودجه اعتباراتی را نیز از شاه درخواست کرد یکی از این موارد درخواست تامین هزینه سه هزار دلاری مسافرت اشرف پهلوی به نیویورک است و شاه با وجود موافقت در پرداخت وجه مذکور متذکر می‌شود چندی پیش نیز مبلغ چهار هزار دلار به حساب ایشان پرداخته شده بهتر است که ایشان در هزینه‌های مذکور صرفه‌جویی نماید، (گزارش فعالیت‌های سازمان زنان ایران، ۱۳۵۴-۱۳۵۳: ۱۵۴) این نمونه، نشانه بارزی بر اختصاص بودجه‌های هنگفت برای سفرهای ریاست سازمان یا ماموران عالی‌رتبه آن است که با اهداف خدماتی سازمان و شعار پیشبرد زندگی اجتماعی زنان فاصله زیادی داشت.

با تاسیس مراکز رفاه، نظر به لزوم استفاده از افراد متخصص که به‌طور موظف هشت ساعت در روز مشغول به کار بودند و با توجه به اینکه بیشتر دبیران شعب و اعضای هیئت مدیره در سازمان‌ها و ادارات دیگر مشغول بوده، فرصت رسیدگی و نظارت و اداره امور را طی تمام ساعات روز نداشتند، نیروی تمام وقت و کارآمد در

کار نبود. بنابراین با آنکه در این طرح نیروی انسانی مورد نیاز پیش‌بینی شده بود اما هیچگاه نیروی متخصص و کارآمد کافی برای اجرای طرح‌ها در دسترس نبود.

در اسفند ۱۳۴۳ در هجدهمین کمیسیون مقام زن، هیات نمایندگی ایران برنامه تامین نیروی انسانی لازم برای آموزش و ارتقای وضعیت اقتصادی، اجتماعی زنان در روستاها و مناطق محروم طی طرحی پیشنهاد کرد. در تابستان ۱۳۴۴ هیات نمایندگی سازمان ملل به منظور بررسی طرح به ایران آمدند که پس از سه ماه گزارش مفصلی تهیه و به سازمان ارسال شد. اما از گزارش‌های سالیانه چنین برمی‌آید که عدم وجود نیروی انسانی همواره وجود داشته و این در حالی است که وظایف عده‌ای بر عهده دبیرخانه بوده است. دبیرخانه برخی از شعبه‌های دبیرخانه مرکزی در استان‌ها و شهرستان‌ها تنها شامل یک فرد موظف با عنوان دبیر کل بود و افراد دیگری به عنوان نیروی انسانی مجری وجود نداشتند.

مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها بر مبنای اهداف سازمان در دبیرخانه مرکزی انجام می‌شد و این در حالی بود که با وجود برنامه‌ریزی‌ها و گروه‌بندی‌های متعدد در زمینه تحقیق و پژوهش، شناخت واقعی و درستی از شرایط محلی و بومی از نقاط مختلف کشور وجود نداشت و تصمیمات دبیرخانه مرکزی بدون استفاده از اطلاعات آماری و تحقیقات بومی صورت می‌گرفت که اغلب موارد از یک الگوی یکسان تبعیت می‌کرد و در مرحله عمل با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و آداب و سنن مناطق مختلف ایران ناموفق می‌ماند. علاوه بر این دبیرخانه مرکزی دچار تورم و انباشت وظایف شده بود که سبب می‌شد پیوستگی معقول و منطقی در امور وجود نداشته باشد.

مهم‌ترین عامل در عدم کارآیی شعب سازمان عدم نظارت دقیق به عملکرد شعب بود این واحد که به منظور بسط نفوذ بهتر و بیشتر سازمان در شهرستان‌ها و استان‌ها به وجود آمد با توجه به پراکندگی قومی و منطقه‌ای در شهرها و مناطق مختلف به‌طور متفرق ایجاد شد در صورتی که نیروهای متخصص و کارآمد به نسبت شعب وجود نداشت علاوه بر این سازمان مرکزی در پچایتخت نمی‌توانست این پراکندگی را تحت نظارت خود درآورد به همین دلیل شعبه‌های شهرها هیچگونه فعالیت برجسته و قابل توجهی، با توجه به آنچه در آیین‌نامه امور شعب پیش‌بینی شده بود، انجام ندادند. همچنین سیستم اطلاعاتی دقیق و آماری حتی با تشکیل کمیته‌های تحقیق در سازمان وجود نداشت این مسئله سبب می‌شد که برنامه‌ریزی‌ها در یک قالب خاص برای زندگی شهری پیش‌بینی شود که با توجه به تفاوت الگوی فرهنگی در سطح استان و شهرهای مختلف کارآیی چندانی نداشت.

نتیجه

با این تفاسیر و نگاه به کارنامه کمیته بهداشت و رفاه خانواده سازمان زنان باید گفت اگر چه سازمان زنان ایران در راستای اهداف کلان حکومت پهلوی دوم ایجاد شد؛ اهدافی که در پی اجرای سیاست‌های کشورهای غربی در زمینه مسائل و مظاهر مدرنیته غربی، از جمله حضور همه‌جانبه زنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی بدون توجه به مسائل سنتی و محلی و مذهبی بود، حضور بانوان فعال اجتماعی و زنان شاغل، به ویژه قشر فرهنگی جامعه، فضاهای متنوع رسمی برای فعالیت زنان را به دنبال داشت. آن‌ها با عضویت در این سازمان، اقدامات مدنی مختلفی چون رسیدگی به محرومان و بینوایان و عیادت از بیماران، تلاش برای

اشاعه فعالیت‌های فرهنگی، به‌خصوص در حوزه سوادآموزی و عرصه‌دانشگاهی را در حوزه وظایف اجتماعی و فرهنگی خود به شمار می‌آوردند. دستورالعمل و اهداف کلان سازمان زنان در ایران در مرکز تعیین و به شهرهای مختلف ابلاغ می‌شد. با تلاش‌های این سازمان بود که پاره‌ای از مشکلات زنان حل شد یا کاهش پیدا کرد و توانستند قدم‌های مثبت و رو به جلویی برای پیشرفت جامعه بالاخص زنان بردارند. کمیته رفاه و بهداشت خانواده سازمان زنان در حوزه رفاه اجتماعی، به‌ویژه در زمینه گسترش آگاهی‌های مدنی و نیز ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی و فرهنگی به زنان بود. این آموزش‌ها مادران شاغل و زنان بی‌سواد و بیکار را دربرمی‌گرفت. سازمان از زنان بی‌سرپرست حمایت می‌کرد و به زنان زندانی، مشاوره‌های حقوقی و قضایی ارائه می‌کرد. برپایی مهدکودک‌ها و آموزش زنان در امر رعایت بهداشت فردی و عمومی از دیگر اقدامات این سازمان بود. اگرچه انتقادهایی به عملکرد این سازمان وارد است اما سازمان زنان در حد توان و انرژی خود، کارهای درخور توجهی انجام داد و موجب ارتقای نقش و جایگاه زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی شد.

منابع و مأخذ:

- اساسنامه سازمان زنان، سازمان زنان ایران، تهران، کتابشناسی ملی ۸۷۳۶۹۴
- افخمی، مهناز، (بی‌تا)، پیشنهادهای اصلاحی درباره تشکیلات و برنامه‌های سازمان زنان ایران، تهران: سازمان زنان ایران
- افخمی، مهناز، سال ۱۳۷۶، «انقلاب مسالمت‌آمیز: مروری بر فعالیت‌ها و دستاوردهای سازمان زنان ایران (۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷)»، ایران‌نامه، س ۱۵، ش ۵۹.
- پایدار، پروین، ۱۳۸۰. «زنان و عصر تمدن بزرگ»، گفتگو، ش ۳۲. - رنجبرعمرانی، حمیرا، سال ۱۳۸۵، سازمان زنان ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- جامعه، دولت و جنبش زنان ایران ۱۳۵۷-۱۳۴۲، مصاحبه با مهناز افخمی، ویراستار غلامرضا افخمی، ۱۳۸۲، بنیاد مطالعات ایران.
- زاهدی اصل، محمد، مبانی مددکاری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵.
- زن ایرانی از شالیزار تا وزارت، سازمان زنان ایران، تهران، کتابخانه ملی، شماره کتابشناسی ۳۵۹۲۱.
- سالنامه زنان ایران، تهیه و تنظیم اکواف ایران، تهران، سازمان زنان ایران، ۱۳۴۵، کتابشناسی ملی ۵۳۳۹۲۱۶.
- شریفیان‌ثانی، مریم، جایگاه مددکاری اجتماعی در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان رفاه اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۱.
- گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی: فهرست روز به روز وقایع سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی ایران از ۳ اسفند ۲۴۷۹ تا ۲۹ اسفند ۲۵۳۵، تهران، نشریه کتابخانه ملی پهلوی، ۱۳۵۵.
- گزارش فعالیت‌های سازمان زنان ایران، لس‌آنجلس، سازمان زنان ایران، ۱۳۵۴-۱۳۵۵.

- گزارش فعالیت‌های شورای مرکزی کمیته‌های مطالعاتی و تحقیقاتی سازمان زنان ایران به مجمع عمومی سازمان زنان، سال ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰/۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ م.
- گزارش فعالیت‌های شورای مرکزی کمیته‌های مطالعاتی و تحقیقاتی سازمان زنان ایران به مجمع عمومی سازمان زنان، (آبان‌ماه ۱۳۴۹ تا آبان‌ماه ۱۳۵۰)، تهران: سازمان زنان ایران.
- یاراحمدی، معصوم، انقلاب سفید و گسترش نظام آموزش عالی؛ چالش‌ها و تعارض‌ها (۱۳۴۲-۱۳۵۷)، دانشگاه فرهنگیان، فصلنامه علمی- تخصصی پژوهش در آموزش تاریخ، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۹